

سوره‌ی اعراف

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

المص

این کتابی است که بر تو نازل شده دل‌تنگ و رنجیده‌خاطر نباش تا به وسیله‌ی آن مردم را به آیات عذابش بترسانی و اهل ایمان را به بشارت‌هایش یادآوری کنی.

از آن‌چه که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده پی‌روی کنید و پی‌رو دستورهای غیر او نباشید و جز خدا را به دوستی نگیرید. اما اندکی از مردم متذکر می‌شوند. چه بسیار شهرها و آبادی‌ها که آن‌ها را بر اثر گناه فراوانشان هلاک کردیم و عذاب ما شب‌هنگام و یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند به سراغشان آمد و در آن موقع که عذاب ما به سراغ آن‌ها آمد و سخنی نداشتند جز این که گفتند: ما ظالم بودیم ولی این اعتراف به گناه و دیگر دیر شده بود و سودی به حالشان نداشت.

به یقین هم از کسانی که پیامبران به سوی آن‌ها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد و هم از پیامبران سؤال می‌کنیم و مسلماً اعمالشان را با علم خود برای آنان شرح خواهیم داد. ما هرگز غایب نبودیم بلکه همه جا حاضر و ناظر اعمال بندگان هستیم. وزن کردن اعمال و سنجش ارزش آن‌ها در آن روز حق است. کسانی که میزان‌های عمل آن‌ها سنگین است همان رستگار‌اند و کسانی که میزان‌های عمل آن‌ها سبک است افرادی هستند که سرمایه‌ی وجود خود را به خاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما می‌کردند از دست داده‌اند. ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم؛ اما کمتر شکرگزاری می‌کنید. به راستی که شما را آفریدیم و صورت و سامانتان دادیم. آنگاه فرشته‌ها را گفتیم بر آدم سجده برید. همه سجده بردند مگر ابلیس که سجده نکرد.

گفت: چرا سجده نکردی؟ چه چیزی مانعت شد؟

گفت: برای این که من بهتر از اوام. من از آتشم. او را از گل آفریده‌ای.

گفت: فرو رو از این درگاه. تو را نرسد که بزرگی بفروشی در آن. بیرون شو که خرد و خواری.

گفت: تا روزی که مردمان برانگیخته شوند مهلتم ده.

گفت: مهلت یافتی.

گفت: از آن جا که مرا فریفتی، بر سر راه راستت در کمین مردمانت می‌نشینم، آن گاه از پس و از پیش و از چپ و از راست به سربختشان می‌روم و باطلشان می‌کنم. بیشترشان را سپاسگزار نخواهی یافت.

گفت: از آن جا نکوهیده و سرشکسته بیرون شو، جهنم را از تو و یاران تو پر می‌کنم. و ای آدم تو! تو و همسرت در باغ بهشت باشید و هر چه خواستید بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید.

آن گاه شیطان آن‌ها را وسوسه کرد و گفت: برای این شما را نهی کرد و گفت از این درخت نخورید که اگر از آن بخورید فرشته شوید یا از مردمان نمرودی. و برای آن‌ها سوگند یاد کرد که یارشان باشد.

آن‌گاه آن‌ها را به طمع انداخت و چون از میوه‌ی آن درخت خوردند عورت‌شان بر ایشان آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های درختان بهشتی بر خود تا آن را بپوشانند که پروردگارشان آن‌ها را نداد داد: آیا شما را از آن درخت نهی نکردم و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟

گفتند: پروردگارا ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود.

فرمود: از مقام خویش فرود آید و در حالی که بعضی از شما نسبت به بعض دیگر دشمن خواهید بود و برای شما در زمین قرارگاه و وسیله‌ی بهره‌گیری تا زمان معینی خواهد بود.

فرمود: در آن زمین زنده می‌شوید و در آن می‌میرید و در رستاخیز از آن خارج خواهید شد.

ای فرزندان آدم لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه‌ی زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است این‌ها همه از آیات خداست و تا متذکر نعمتهای او شوند.

ای فرزندان آدم شیطان شما را نفریبد آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباس‌شان را از تن‌شان بیرون ساخت تا عورت‌شان را به آن‌ها نشان دهد چه این که او و همکارانش شما را می‌بینند از جایی که شما آن‌ها را نمی‌بینید اما بدانید ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند می‌گویند: پدران خود را بر این عمل یافتیم و خداوند ما را به آن دستور داده است بگو: خداوند هرگز به کار زشت فرمان نمی‌دهد آیا چیزی به خدا نسبت می‌دهید که نمی‌دانید؟ بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجد و به هنگام عبادت به سوی او کنید و او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص گردانید و بدانید همان گونه که در آغاز شما را آفرید بار دیگر در رستاخیز باز می‌گردید. جمعی را هدایت کرده و جمعی که شایستگی نداشته‌اند گمراهی بر آن‌ها مسلم شده است. آن‌ها کسانی هستند که شیاطین را به جای خداوند اولیای خود انتخاب کردند و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند.

ای فرزندان آدم زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و از نعمت‌های الهی بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.

بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: این‌ها در زندگی دنیا و برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ اگر چه دیگران نیز با آن‌ها مشارکت دارند ولی در قیامت خالص برای مؤمنان خواهد بود.
- این گونه آیات خود را برای کسانی که آگاهند شرح می‌دهیم:

بگو: خداوند تنها اعمال زشت را چه آشکار باشد چه پنهان حرام کرده است و همچنین گناه و ستم به ناحق را و این که چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده شریک او قرار دهید و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید. برای هر قوم و جمعیتی زمان و سرآمد معینی است و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد نه ساعتی از آن تاخیر می‌کنند و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

ای فرزندان آدم اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند از آن‌ها پیروی کنید؛ کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمناک می‌شوند و آن‌ها که آیات ما را تکذیب کنند و در برابر آن تکبر ورزند اهل دوزخند و جاودانه در آن خواهند ماند. چه کسی ستمکارتر است از آن‌ها که بر خدا دروغ می‌بندند یا آیات او را تکذیب می‌کنند؟ آن‌ها نصیب‌شان را از آن چه مقدر شده از نعمت‌ها و مواهب این جهان می‌برند؛ تا زمانی که فرستادگان ما فرشتگان قبض ارواح به سراغشان روند و جان‌شان را بگیرند؛ از آن‌ها می‌پرسند: کجایند معبودهایی که می‌خواندید؟ چرا به یاری شما نمی‌آیند؟ می‌گویند: آن‌ها همه گم شدند و از ما دور گشتند و بر ضد خود گواهی می‌دهند که کافر بودند.

می‌گوید: در صف گروه‌های مشابه خود از جن و انس در آتش وارد شوید. هر زمان که گروهی وارد می‌شوند گروه دیگر را لعن می‌کنند تا همگی با ذلت در آن قرار گیرند. در این هنگام گروه پیروان دربارهی پیشوایان خود می‌گویند: خداوند این‌ها بودند که ما را گمراه ساختند پس کیفر آن‌ها را از آتش دو برابر کن کیفری برای گمراهی‌شان و کیفری به خاطر گمراه کردن ما. می‌فرماید: برای هر کدام از شما عذاب مضاعف است ولی نمی‌دانید چرا که پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند قدرتی بر اغوای مردم نداشتند. پیشوایان آن‌ها به پیروان خود می‌گویند: شما امتیازی بر ما نداشتید؛ پس بچشید عذاب الهی را در برابر آن چه انجام می‌دادید.

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و در برابر آن تکبر ورزیدند هرگز درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود و هیچ گاه داخل بهشت نخواهند شد مگر این که شتر از سوراخ سوزن بگذرد. این گونه گنهکاران را جزا می‌دهیم. برای آن‌ها بستری از آتش دوزخ و روی آن‌ها پوشش‌هایی از آن است. این چنین ظالمان را جزا می‌دهیم و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند - البته هیچ کس را جز به اندازه‌ی توانایی‌اش تکلیف نمی‌کنیم - آن‌ها اهل بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند. آن چه در دل‌ها از کینه و حسد دارند برمی‌کنیم تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند و از زیر قصرها و درختان آن‌ها نهرها جریان دارد؛ می‌گویند: ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این همه نعمت‌ها رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود ما به این‌ها راه نمی‌یافتیم. مسلماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند و در این هنگام به آنان ندا داده می‌شود که: این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می‌دادید به ارث بردید و بهشتیان دوزخیان را صدا می‌زنند که: آن چه را پروردگارمان به ما وعده داده بود همه را حق یافتیم؛ آیا شما هم آن چه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟ در این هنگام ندادنده‌ای در میان آن‌ها ندا می‌دهد که: لعنت خدا بر ستمگران باد. همان‌ها که مردم را از راه خدا باز می‌دارند و با القای شبهات می‌خواهند آن را کج و معوج نشان دهند و آن‌ها به آخرت کافرند. و در میان آن دو بهشتیان و دوزخیان حجابی است و بر اعراف مردانی هستند که هر يك از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند و به بهشتیان صدا می‌زنند که: درود بر شما باد. اما داخل بهشت نمی‌شوند در حالی که امید آن را دارند و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می‌افتد می‌گویند: پروردگارا ما را با گروه ستمگران قرار مده. و اصحاب اعراف مردانی از دوزخیان را که از سیمای‌شان آن‌ها را می‌شناسند صدا می‌زنند و می‌گویند: دیدید که گردآوری شما از مال و ثروت و آن و فرزند و تکبرهای شما به حالتان سودی نداد؟ آیا این‌ها این و امانده‌گان بر اعراف همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حال‌شان نخواهد شد؟ ولی خداوند به خاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان آن‌ها را بخشید هم اکنون به آن‌ها گفته می‌شود: داخل بهشت شوید که نه ترسی دارید و نه غمناک می‌شوید و دوزخیان بهشتیان را صدا می‌زنند که: محبت کنید و مقداری آب یا از آن چه خدا به شما روزی داده است به ما ببخشید. آن‌ها در پاسخ می‌گویند: خداوند این‌ها را بر کافران حرام کرده است. همان‌ها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت؛ امروز ما آن‌ها را فراموش می‌کنیم همان گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند. ما کتابی برای آن‌ها آوردیم که اسرار و رموز آن را با آگاهی شرح دادیم؛ کتابی که مایه‌ی هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می‌آورند. آیا آن‌ها انتظاری جز تاویل آیات و فرا رسیدن تهدیدهای الهی دارند؟ آن روز که

تاویل آن‌ها فرا رسد کار از کار گذشته است و پشیمانی سودی ندارد. کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند می‌گویند: فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند؛ آیا امروز شفیعی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا به ما اجازه داده شود به دنیا بازگردیم و اعمالی غیر از آنچه انجام می‌دادیم انجام دهیم؟ ولی آن‌ها سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند و معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند همگی از نظرشان گم می‌شوند. نه راه بازگشتی دارند و نه شفیعی.

پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با پرده‌ی تاریک شب روز را می‌پوشاند و شب به دنبال روز و به سرعت در حرکت است و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر جهان از آن او و به فرمان اوست. پر برکت و زوال‌ناپذیر است خداوندی که پروردگار جهانیان است.

پروردگار خود را آشکارا از روی تضرع و در پنهانی بخوانید و از تجاوز دست بردارید که او متجاوزان را دوست نمی‌دارد و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکند و او را با بیم و امید بخوانید. بیم از مسئولیت‌ها و امید به رحمتش و نیکی کنید زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش باران رحمتش می‌فرستد؛ تا ابرهای سنگین‌بار را بر دوش کشند؛ سپس ما آن‌ها را به سوی زمین‌های مرده می‌فرستیم و به وسیله‌ی آن‌ها آب حیاتبخش را نازل می‌کنیم و با آن از هرگونه میوه‌ای از خاک تیره بیرون می‌آوریم؛ این گونه که زمین‌های مرده را زنده کردیم مردگان را نیز در قیامت زنده می‌کنیم شاید با توجه به این مثال متذکر شوید. سرزمین پاکیزه و شیرین و گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بد طینت و شوره‌زار جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. این گونه آیات خود را برای آن‌ها که شکرگزارند بیان می‌کنیم:

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ او به آنان گفت: ای قوم من تنها خداوند یگانه را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست و اگر غیر او را عبادت کنید من بر شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. ولی اشراف قومش به او گفتند: ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم. گفت: ای قوم من هیچ گونه گمراهی در من نیست ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم. خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. آیا تعجب کرده‌اید که دستور آگاه‌کننده پروردگارتان به وسیله‌ی مردی از میان شما به شما برسد تا از عواقب اعمال خلاف بیم‌تان دهد و در پرتو این دستور پرهیزگاری پیشه کنید شاید مشمول رحمت الهی گردید؟

اما سرانجام او را تکذیب کردند و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند و رهایی بخشیدیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم؛ چه این که آن‌ها گروهی نابینا و کوردل بودند.

به سوی قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من تنها خدا را پرستش کنید که جز او معبودی برای شما نیست آیا پرهیزگاری پیشه نمی‌کنید؟

اشراف کافر قوم او گفتند: ما تو را در سفاهت و سبک مغزی می‌بینیم. ما مسلماً تو را از دروغگویان می‌دانیم.

گفت: ای قوم من هیچ گونه سفاهتی در من نیست. فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهان‌انم. رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم. من خیر خواه امینی برای شما هستم. آیا تعجب کرده‌اید که دستور آگاه کننده‌ی پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد تا از مجازات الهی بيمتان دهد؟ به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد و شما را از جهت خلقت جسمانی گسترش و قدرت داد؛ پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید شاید رستگار شوید

گفتند: آیا به سراغ ما آمده‌ای که تنها خدای یگانه را بپرستیم و آن چه را پدران ما می‌پرستند رها کنیم؟ پس اگر راست می‌گوئی آنچه را از بلا و عذاب الهی به ما و عده می‌دهی بیاور.

گفت: پلیدی و غضب خدایان‌تان و شما را فرا گرفته است آیا با من در مورد نام‌هایی مجادله می‌کنید که شما و پدران‌تان به عنوان معبود و خدا بر بت‌ها گذارده‌اید در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟ پس شما منتظر باشید و من هم با شما انتظار می‌کشم. شما انتظار شکست من و من انتظار عذاب الهی برای شما.

سرانجام او و کسانی را که با او بودند به رحمت خود نجات بخشیدیم و ریشه‌ی کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند برکنندیم.

به سوی قوم سه‌مود برادرشان صالح را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من تنها خدا را پرستید که جز او معبودی برای شما نیست. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این ناقه‌ی الهی برای شما معجزه‌ای است؛ او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا از علف‌های بیابان بخورد و آن را آزار نرسانید که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت که در دشت‌هایش قصرها برای خود بنا می‌کنید و در کوه‌هایش برای خود خانه‌ها می‌تراشید بنا بر این نعمت‌های خدا را متذکر شوید و در زمین به فساد نکوشید.

ولی اشراف متکبر قوم او به مستضعفانی که ایمان آورده بودند گفتند: آیا به راستی شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟

آن‌ها گفتند: ما به آن چه او بدان مأموریت یافته ایمان آورده‌ایم. متکبران گفتند: ولی ما به آن چه شما به آن ایمان آورده‌اید کافریم. سپس ناچه را پی کردند و از فرمان پروردگارش سرپیچیدند و گفتند: ای صالح اگر تو از فرستادگان خدا هستی آن چه ما را با آن تهدید می‌کنی بیاور.

سرانجام زمین لرزه آن‌ها را فرا گرفت و صبحگاهان تنها جسم بی‌جانشان در خانه‌هاشان باقی مانده بود.

صالح از آن‌ها روی برتافت و گفت: ای قوم من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و شرط خیرخواهی را انجام دادم ولی چه کنم که شما خیرخواهان را دوست ندارید. به خاطر آورید لوط را. هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچک از جهانیان پیش از شما انجام نداده است؟ آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید و نه زنان؟ شما گروه تجاوزگری هستید. ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: این‌ها را از شهر و دیار خود بیرون کنید که این‌ها مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند و با ما همصدا نیستند.

چون کار به این‌جا رسید ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم؛ جز همسرش که از بازماندگان در شهر بود و سپس چنان بارانی از سنگ بر آن‌ها فرستادیم که آن‌ها را در هم کوبید و نابود ساخت. پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد.

به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من خدا را پرستید که جز او معبودی ندارید. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنابر این حق پیمان‌ه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید و در روی زمین بعد از آن که در پرتو ایمان و دعوت انبیاء اصلاح شده است فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید بر سر هر راه ننشینید که مردم با ایمان را تهدید کنید و مؤمنان را از راه خدا باز دارید و با القای شبهات آن را کج و معوج نشان دهید و به خاطر بیاورید زمانی را که اندک بودید و او شما را فزونی داد و بنگرید سرانجام مفسدان چه گونه بود. اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده‌ام ایمان آورده‌اند و گروهی ایمان نیاورده‌اند صبر کنید تا خداوند میان ما داورى کند که او بهترین داوران است.

اشراف زورمند و متکبر از قوم او گفتند: ای شعیب به یقین تو و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند و از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد و یا به آیین ما بازگردید

گفت: آیا می‌خواهید ما را بازگردانید اگر چه مایل نباشیم؟ اگر ما به آیین شما بازگردیم بعد از آن که خدا ما را از آن نجات بخشیده است به خدا دروغ بسته‌ایم و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر این که خدایی که پروردگار ما است بخواهد؛ علم پروردگار ما به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده‌ایم. پروردگارا میان ما و قوم ما به حق داور کن که تو بهترین داورانی.

اشراف زورمند از قوم او که کافر شده بودند گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید و شما هم زیانکار خواهید شد.

سپس زمین لرزه آن‌ها را فرا گرفت و صبحگاهان به صورت اجساد بی‌جان در خانه‌هایشان مانده بودند.

آن‌ها که شعیب را تکذیب کردند آنچنان نابود شدند که گویا هرگز در آن خانه‌ها سکونت نداشتند. آن‌ها که شعیب را تکذیب کردند زیانکار بودند. سپس از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من من رسالت‌های پروردگار را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم؛ با این حال و چه‌گونه بر حال قوم بی‌ایمان تاسف بخورم؟

ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتی‌ها و خسارت‌ها گرفتار ساختیم؛ شاید به خود آیند و به سوی خدا بازگردند و تضرع کنند. سپس هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت نیکی و فراوانی نعمت و رفاه را به جای بدی و ناراحتی و گرفتاری قرار دادیم؛ آن چنان که فزونی گرفتند و همه‌گونه نعمت و برکت یافتند و مغرور شدند و گفتند: تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم؛ به پدران ما نیز ناراحتی‌های جسمی و مالی رسید. چون چنین شد آن‌ها را ناگهان به سبب اعمالشان گرفتیم و مجازات کردیم در حالی که نمی‌فهمیدند. اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم ولی آن‌ها حق را تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. آیا اهل این آبادی‌ها از این ایمن‌اند که عذاب ما شبانه به سراغ آن‌ها بیاید در حالی که در خواب باشند؟ آیا اهل این آبادی‌ها از این ایمن‌اند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟ آیا آن‌ها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟ در حالی که جز زیانکاران خود را از مکر و مجازات خدا ایمن نمی‌دانند. آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می‌شوند عبرت نمی‌گیرند؟ اگر بخواهیم آن‌ها را نیز به گناهانشان هلاک می‌کنیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهمیم تا صدای حق را نشنوند؟

این‌ها شهرها و آبادی‌هایی است که قسمتی از اخبار آن را برای تو شرح می‌دهیم؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند ولی آن‌ها چنان لجوج بودند که به آن چه قبلاً تکذیب کرده بودند ایمان نمی‌آوردند این‌گونه خداوند

بر دل‌های کافران مهر می‌نهد و بر اثر لجابت و ادامه گناه حس تشخیص‌شان را سلب می‌کند و بیشتر آن‌ها را بر سر پیمان خود نیافتیم؛ بلکه اکثر آن‌ها را فاسق و گنهکار یافتیم.

سپس به دنبال آن پیامبران پیشین موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم؛ اما آن‌ها با عدم پذیرش به آن آیات ظلم کردند. ببین عاقبت مفسدان چه گونه بود:

و موسی گفت: ای فرعون من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛ پس بنی اسرائیل را با من بفرست.

فرعون گفت: اگر نشانه‌ای آورده‌ای نشان بده اگر از راستگویی. موسی عصای خود را افکند؛ ناگهان ازدهای آشکاری شد و دست خود را از گریبان بیرون آورد؛ سفید و درخشان برای بینندگان بود. اطرافیان فرعون گفتند: بی‌شک این ساحری ماهر و دانا است. می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ نظر شما چیست و در برابر او چه دستوری دارید؟

سپس به فرعون گفتند: کار او و برادرش را به تاخیر انداز و جمع‌آوری‌کنندگان را به همه شهرها بفرست تا هر ساحر دانا و کارآزموده‌ای را به خدمت تو بیاورند. ساحران نزد فرعون آمدند و گفتند: آیا اگر ما پیروز گردیم اجر و پاداش مهمی خواهیم داشت؟ گفت: از مقربان خواهید بود

ساحران گفتند: ای موسی یا تو وسایل سحر را بیفکن و یا ما می‌افکنیم. گفت: شما بیفکنید

هنگامی که وسایل سحر خود را افکندند و مردم را چشم‌بندی کردند و ترساندند و سحر عظیمی پدید آوردند ما به موسی وحی کردیم که: عصای خود را بیفکن.

ناگهان به صورت مار عظیمی در آمد که وسایل دروغین آن‌ها را به سرعت برمی‌گرفت. در این هنگام حق آشکار شد و آن چه آن‌ها ساخته بودند و باطل گشت و در آن جا همگی مغلوب شدند و خوار و کوچک گشتند. ساحران بی‌اختیار به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛ پروردگار موسی و هارون.

فرعون گفت: آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ حتما این نیرنگ و توطئه‌ای است که در این شهر و دیار چیده‌اید تا اهلش را از آن بیرون کنید ولی به زودی خواهید دانست. سوگند می‌خورم که دست‌ها و پاهای شما را به‌طور دست راست با پای چپ و یا دست چپ با پای راست قطع می‌کنم؛ سپس همگی را به دار می‌آورم.

ساحران گفتند: مهم نیست. ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم. انتقام تو از ما تنها به خاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش - هنگامی که به سراغ ما آمد- ایمان آوردیم. بار الها صبر و استقامت بر ما فرو ریز و آخرین درجه شکیبائی را به ما مرحمت فرما و ما را مؤمن بمیران. اشراف قوم فرعون به او گفتند: آیا موسا و قومش را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند و تو و خدایانت را رها سازد؟ گفت: به زودی پسرانشان را می‌کشیم و دخترانشان را زنده نگه می‌داریم تا به ما خدمت کنند ما بر آنها کاملاً مسلطیم. موسا به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است. گفتند: پیش از آن که به سوی ما بیایی آزار دیدیم و هم اکنون پس از آمدنت نیز آزار می‌بینیم کی این آزارها سر خواهد آمد؟ گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین آنها سازد و بنگرد چه گونه عمل می‌کنید. و ما نزدیکان فرعون و قوم او را به خشکسالی و کمبود میوه‌ها گرفتار کردیم شاید متذکر گردند. اما آنها نه تنها پند نگرفتند بلکه هنگامی که نیکی و نعمت به آنها می‌رسید می‌گفتند: به خاطر خود ماست. ولی موقعی که بدی و بلا به آنها می‌رسید می‌گفتند: از شومی موسا و کسان اوست. - آگاه باشید سرچشمه همه اینها نزد خداست ولی بیشتر آنها نمی‌دانند

گفتند: هر زمان نشانه و معجزه‌ای برای ما بیاوری که سحرمان کنی ما به تو ایمان نمی‌آوریم. سپس بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم: طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه‌ها و خون را - که نشانه‌هایی از هم جدا بودند- بر آنها فرستادیم ولی باز بیدار نشدند و تکبر ورزیدند و جمعیت گنهکاری بودند. هنگامی که بلا بر آنها مسلط می‌شد می‌گفتند: ای موسا از خدایت برای ما بخواه به عهده‌ی که با تو کرده رفتار کند اگر این بلا را از ما مرتفع سازی قطعاً به تو ایمان می‌آوریم و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد اما هنگامی که بلا را پس از مدت معینی که به آن می‌رسیدند از آنها برمی‌داشتیم پیمان خویش را می‌شکستند. سرانجام از آنها انتقام گرفتیم و آنان را در دریا غرق کردیم؛ زیرا آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند مشرق‌ها و مغرب‌های پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده زیر زنجیر ظلم و ستم واگذار کردیم و وعده‌ی نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل به خاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند و تحقق یافت آنچه فرعون و فرعونیان از کاخ‌های مجلل می‌ساختند و آنچه از باغ‌های داربست‌دار فراهم ساخته بودند و در هم کوبیدیم و بنی اسرائیل را سالم از دریا عبور دادیم تا ناگاه در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف

بت‌هایشان با تواضع و خضوع گرد آمده بودند. در این هنگام بنی اسرائیل به موسا گفتند: تو هم برای ما معبودی قرار ده و همان‌گونه که آن‌ها معبودان و خدایانی دارند گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید. این‌ها را که می‌بینید سرانجام کارشان نابودی است و آن چه انجام می‌دهند باطل و بیهوده است.

سپس گفت: آیا غیر از خداوند معبودی برای شما بطلبیم؟ خدایی که شما را بر جهانیان و مردم عصرتان برتری داد؟ به خاطر بیاورید زمانی را که از چنگال فرعونیان نجاتتان بخشیدیم آن‌ها که پیوسته شما را شکنجه می‌دادند و پسرانتان را می‌کشند و زنانان را برای خدمتگاری زنده می‌گذاشتند از مایش بزرگی از سوی خدا برای شما بود.

ما با موسا سی شب و عده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب دیگر تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب میعاد پروردگارش با او چهل شب تمام شد و موسا به برادرش هارون گفت جانشین من در میان قومم باش. و آن‌ها را اصلاح کن و از روش مفسدان پیروی منما. هنگامی که موسا به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت و عرض کرد: پروردگارا خودت را به من نشان ده و تا تو را ببینم گفت: هرگز مرا نخواهی دید ولی به کوه بنگر اگر در جای خود ثابت ماند مرا خواهی دید. اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد و آن را همسان خاک قرار داد موسا مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد عرض کرد خداوندا منزه‌ی تو از این که با چشم تو را ببینم. من به سوی تو بازگشتم و من نخستین مؤمنانم. خداوند فرمود: ای موسا من تو را با رسالتهای خویش و با سخن‌گفتنم با تو بر مردم برتری دادم و برگزیدم؛ پس آنچه را به تو داده‌ام بگیر و از شکرگزاران باش.

برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم و بیانی از هر چیز کردیم - پس آن را با جدیت بگیر و به قوم خود بگو: به نیکوترین آن‌ها عمل کنند و آن‌ها که به مخالفت برخیزند کیفرشان دوزخ است و به زودی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهم داد. به زودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبر می‌ورزند از ایمان به آیات خود منصرف می‌سازم. آن‌ها چنانند که اگر هر آیه نشانه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند. اگر طریق گمراهی را ببینند آن را راه خود انتخاب می‌کنند همه این‌ها به خاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند. کسانی که آیات و دیدار رستاخیز را تکذیب و انکار کنند اعمالشان نابود می‌گردد؛ آیا جز آن چه را عمل می‌کردند پاداش داده می‌شوند؟

قوم موسا بعد از رفتن او به میعادگاه خدا از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند؛ جسد بی‌جانی که صدای گوساله داشت. آیا آن‌ها نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید و به راه راست هدایتشان نمی‌کند؟ آن را خدای خود انتخاب کردند. ظالم بودند و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد دیدند گمراه شده‌اند گفتند: اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نیامرزد به‌طور قطع از زیانکاران خواهیم بود. هنگامی که موسا خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت گفت: پس از من بد جانشینانی برایم بودید آیین مرا ضایع کردید. آیا در مورد فرمان پروردگارتان و تمدید مدت میعاد او عجله نمودید و زود قضاوت کردید؟ سپس الواح را افکند و سر برادر خود را گرفت و با عصبانیت به سوی خود کشید؛ او گفت: فرزند مادرم این گروه مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند. نزدیک بود مرا بکشند. پس کاری نکن که دشمنان مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده.

موسا گفت: پروردگارا من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خود داخل فرما و تو مهربانترین مهربانانی.

کسانی که گوساله را معبود خود قرار دادند به زودی خشم پروردگارشان و ذلت در زندگی دنیا به آن‌ها می‌رسد و این چنین و کسانی را که بر خدا افترا می‌بندند کیفر می‌دهیم. آن‌ها که گناه کردند و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند امید عفو او را دارند؛ زیرا پروردگار تو در پی این کار آمرزنده و مهربان است. هنگامی که خشم موسا فرو نشست؛ الواح تورات را برگرفت و در نوشته‌های آن هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می‌ترسند و از مخالفت فرمانش بیم دارند.

موسا از قوم خود هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید و هنگامی که زمین لرزه آن‌ها را فرا گرفت و هلاک شدند گفت: پروردگارا اگر می‌خواستی می‌توانستی آن‌ها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی آیا ما را به آن چه سفیهان‌مان انجام داده‌اند مجازات و هلاک می‌کنی؟ این جز آزمایش تو چیز دیگر نیست؛ که هر کس را بخواهی و مستحق بدانی و به وسیله‌ی آن گمراه می‌سازی و هر کس را بخواهی و شایسته ببینی هدایت می‌کنی. تو ولی‌مایی. ما را بیامرز و بر ما رحم کن. تو بهترین آمرزندگانی. برای ما و در این دنیا و سرای دیگر نیکی مقرر فرما؛ چه این که ما به سوی تو بازگشت کرده‌ایم.

خداوند در برابر این تقاضا و به موسا گفت: مجازاتم را به هر کس بخواهم می‌رسانم و رحمتم همه چیز را فراگرفته و آن را برای آن‌ها که تقوا پیشه کنند و زکات را بپردازند و آن‌ها که به آیات ما ایمان می‌آورند و مقرر خواهم داشت. همان‌ها که از فرستاده‌ی خدا و پیامبر امی پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد؛ پاکیزه

را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود از دوش و گردنشان بر می‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری‌اش کردند از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند آنان رستگارانند.

بگو: ای مردم من فرستاده‌ی خدا به سوی همه‌ی شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن او است؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش و آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید

و از قوم موسا گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و به حق و عدالت حکم می‌نمایند. ما آن‌ها را به دوازده گروه تقسیم کردیم و هنگامی که قوم موسا در بیابان از او تقاضای آب کردند و به او وحی فرستادیم که: عصای خود را بر سنگ بزن. ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست؛ آن چنان که هر گروه چشمه و آبشخور خود را می‌شناخت و ابر را بر سر آن‌ها سایبان ساختیم و بر آن‌ها من و سلوی فرستادیم و به آنان گفتیم: از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جا آورید. آن‌ها نافرمانی و ستم کردند ولی به ما ستم نکردند و لکن به خودشان ستم می‌نمودند.

به خاطر بیاورید هنگامی را که به آن‌ها گفته شد: در این شهر بیت المقدس ساکن شوید و از هر جا و به هر کیفیت بخواهید از آن بخورید و بهره‌گیری و بگوئید: خداوند گناهان ما را بریز و از در بیت المقدس با تواضع وارد شوید که اگر چنین کنید گناهان شما را می‌بخشم و نیکوکاران را پاداش بیشتر خواهیم داد. اما ستمگران آن‌ها این سخن و آن فرمان‌ها را به غیر آن چه به آن‌ها گفته شده بود تغییر دادند؛ از این‌رو به خاطر ستمی که روا می‌داشتند بلایی از آسمان بر آن‌ها فرستادیم و مجازاتشان کردیم.

از آن‌ها درباره سرگذشت شهری که در ساحل دریا بود بپرس. زمانی که آن‌ها در روزهای شنبه تجاوز و نافرمانی خدا می‌کردند؛ همان هنگام که ماهیانشان روز شنبه که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود و بر سطح آب آشکار می‌شدند؛ اما در غیر روز شنبه به سراغ آن‌ها نمی‌آمدند؛ این چنین آن‌ها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند و به یاد آر هنگامی را که گروهی از آن‌ها به گروه دیگر گفتند: چرا جمعی گنهکار را اندرز می‌دهید که سرانجام خداوند آن‌ها را هلاک خواهد کرد و یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟ آن‌ها را به حال خود و اگذارید تا نابود شوند گفتند: این اندرزها برای اعتذار و رفع مسؤلیت در پیشگاه پروردگار شماست؛ به علاوه شاید آن‌ها بپذیرند و از گناه باز ایستند و تقوا پیشه کنند. اما هنگامی که تذکراتی را که به آن‌ها داده شده بود فراموش کردند و

لحظه‌ی عذاب فرا رسید نهی‌کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند به خاطر نافرمانی‌شان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. آری، هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی کردند به آن‌ها گفتیم: به شکل میمون‌هایی طردشده در آبیید و نیز به خاطر بی‌باور هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا دامنه‌ی قیامت کسی را بر آن‌ها مسلط خواهد ساخت که همواره آن‌ها را در عذاب سختی قرار دهد؛ زیرا پروردگارت مجازاتش سریع و در عین حال نسبت به توبه‌کاران آمرزنده و مهربان است.

آن‌ها را در زمین به صورت گروه‌هایی پراکنده ساختیم؛ گروهی از آن‌ها صالح و گروهی ناصالحند و آن‌ها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم شاید بازگردند. پس از آن‌ها فرزندان جای آن‌ها را گرفتند که وارث کتاب آسمانی و تورات شدند؛ اما با این حال و متاع این دنیای پست را گرفته و بر اطاعت فرمان خدا ترجیح می‌دهند و می‌گویند: اگر ما گنهاریم توبه می‌کنیم و به زودی بخشیده خواهیم شد اما اگر متاع دیگری همانند آن به دست‌شان بیفتد آن را نیز می‌گیرند و باز حکم خدا را پشت سر می‌افکنند. آیا پیمان کتاب خدا از آن‌ها گرفته نشده که بر خدا دروغ نیندند و جز حق نگویند و آنان بارها آنرا خوانده‌اند؟
سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است. آیا نمی‌فهمید؟

آن‌ها که به کتاب خدا تمسک جویند و نماز را برپا دارند پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد و نیز به خاطر بی‌باور هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آن‌ها بلند کردیم و آن‌چنان که گمان کردند بر آنان فرود می‌آید و در همین حال از آن‌ها پیمان گرفتیم و گفتیم: آن چه را از احکام و دستور‌ها به شما داده‌ایم و با قوت و جدیت بگیرید و آن چه در آن است به یاد داشته باشید و عمل کنید تا پرهیزگار شوید و به خاطر بی‌باور زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم ذریه آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری گواهی می‌دهیم. چنین کرد مبادا روز رستاخیز بگویید: ما از این غافل بودیم و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم یا بگویید: پدرانمان پیش از ما مشرک بودند و ما هم فرزندان بعد از آن‌ها بودیم و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشتیم؛ آیا ما را به آنچه باطل‌گرایان انجام دادند مجازات می‌کنی؟
این گونه آیات را توضیح می‌دهیم. شاید به سوی حق بازگردند و بدانند ندای توحید در درون جان‌شان از روز نخست بوده است. بر آن‌ها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم ولی سرانجام خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد و از گمراهان شد. اگر می‌خواستیم مقام او را با این آیات و علوم و دانش‌ها بالا می‌بردیم؛ اما اجبار بر خلاف

سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم و او به پستی گرایید و از هوای نفس پیروی کرد. مثل او همچون سگ هار است که اگر به او حمله کنی دهانش را باز می‌کند و زبانش را بیرون می‌آورد و اگر او را به حال خود واگذاری باز همین کار را می‌کند؛ گویی چنان تشنه‌ی دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی‌شود این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستان‌ها را برای آن‌ها بازگو کن شاید بیندیشند و بیدار شوند.

چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند و آن‌ها تنها به خودشان ستم می‌نمودند. آن کس را که خدا هدایت کند هدایت یافته‌ی واقعی اوست و کسانی را که به خاطر اعمالشان گمراه سازد و زیانکاران واقعی آن‌ها هستند. به یقین گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آن‌ها دل‌ها عقل‌هایی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند و نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراه‌تر. اینان همان غافلانند چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت باز هم گمراه‌اند.

برای خدا نام‌های نیک است؛ خدا را به آن نام‌ها بخوانید و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می‌کنند و بر غیر او می‌نهند و شریک برایش قائل می‌شوند رها سازید. آن‌ها به زودی جزای اعمالی را که انجام می‌دادند می‌بینند و از آن‌ها که آفریدیم گروهی به حق هدایت می‌کنند و به حق اجرای عدالت می‌نمایند. آن‌ها که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج از جایی که نمی‌دانند گرفتار و مجازاتشان خواهیم کرد. به آن‌ها مهلت می‌دهم تا مجازاتشان دردناک‌تر باشد؛ زیرا طرح و نقشه من قوی و حساب شده است و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست. آیا فکر نکردند که همنشین آن‌ها هیچ‌گونه اثری از جنون ندارد؟ پس چه گونه چنین نسبت ناروایی به او می‌دهند؟ او فقط بیم دهنده‌ی آشکاری است که مردم را متوجه وظایفشان می‌سازد. آیا در حکومت و نظام آسمان‌ها و زمین و آنچه خدا آفریده است از روی دقت و عبرت نظر نیفکندند؟ آیا در این نیز اندیشه نکردند که شاید پایان زندگی آن‌ها نزدیک شده باشد؟ اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟ هر کس را خداوند به جرم اعمال زشتش گمراه سازد هدایت کننده‌ای ندارد. آن‌ها را در طغیان و سرکشی‌شان رها می‌سازد تا سرگردان شوند.

درباره‌ی قیامت از تو سؤال می‌کنند که کی فرامی‌رسد؟ بگو: علم‌اش فقط نزد پروردگار من است و هیچ‌کس جز او نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد؛ اما قیام قیامت حتماً در آسمان‌ها و زمین سنگین و بسیار پر اهمیت است و جز به طور ناگهانی به سراغ شما نمی‌آید. باز از تو سؤال می‌کنند چنان که گویی تو از زمان وقوع آن باخبری. بگو: علم‌اش تنها نزد

خداست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. بگو: من مالك سود و زیان خویش نیستم و مگر آن چه را خدا بخواهد و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم و مگر آن چه خداوند اراده کند و اگر از غیب باخبر بودم سود فراوانی برای خود فراهم می‌کردم و هیچ بدی و زیانی به من نمی‌رسید؛ من فقط بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ام برای گروهی که ایمان می‌آورند و آماده پذیرش حقت. او خدایی است که همه شما را از يك فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد و تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد و حملی سبک برداشت که با وجود آن به کارهای خود ادامه می‌داد چون سنگین شد هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند اگر فرزند صالحی به ما دهی از شاکران خواهیم بود. اما هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آن‌ها داد موجودات دیگر را در این موهبت مؤثر دانستند و برای خدا و در این نعمت که به آن‌ها بخشیده بود همتیانی قائل شدند؛ خداوند برتر است از آن چه همتای او قرار می‌دهند. آیا موجوداتی را همتای او قرار می‌دهند که چیزی را نمی‌آفرینند و خودشان مخلوقند و نه می‌توانند آنان را یاری کنند و نه خودشان را یاری می‌دهند. هرگاه آن‌ها را به سوی هدایت دعوت کنید از شما پیروی نمی‌کنند و برای شما یکسان است چه آن‌ها را دعوت کنید و چه خاموش باشید؟ آن‌هایی را که غیر از خدا می‌خوانید و پرستش می‌کنید بندگان همچون خود شما هستند؛ آن‌ها را بخوانید اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند و تقاضایان را برآورند. آیا آن‌ها حداقل همانند خود شما پاهایی دارند که با آن راه بروند؟ یا دست‌هایی دارند که با آن چیزی را بگیرند و کاری انجام دهند؟ یا چشمانی دارند که با آن ببینند؟ یا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟ نه و هرگز. هیچ‌کدام. بگو: اکنون که چنین است بت‌های خویش را که شريك خدا قرار داده‌اید بر ضد من بخوانید و برای من نقشه بکشید و لحظه‌ای مهلت ندهید تا بدانید کاری از آن‌ها ساخته نیست ولی و سرپرست من خدایی است که این کتاب را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستی می‌کند. آنهایی را که جز او می‌خوانید نمی‌توانند یاریتان کنند و نه حتی خودشان را یاری دهند؛ و اگر آن‌ها را به هدایت فرا خوانید سخنان‌تان را نمی‌شنوند و آن‌ها را می‌بینی که با چشم‌های مصنوعی‌شان به تو نگاه می‌کنند و اما در حقیقت نمی‌بینند. به هر حال با آن‌ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان و با آنان ستیزه مکن. هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد به خدا پناه بر؛ که او شنونده و داناست. پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند به یاد خدا و پاداش و کیفر او می‌افتند و در پرتو یاد او راه حق را می‌بینند و ناگهان بینا می‌گردند و ناپرهیزگاران را برادرانشان از شیاطین پیوسته در گمراهی پیش می‌برند و باز نمی‌ایستند هنگامی که در نزول وحی تاخیر افتد و آیه‌ای برای آنان نیآوری می‌گویند: چرا خودت از پیش خود آن را برنگزیدی؟ بگو: من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من

وحی می‌شود؛ این وسیله‌ی بینایی از طرف پروردگارتان و مایه‌ی هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند. هنگامی که قرآن خوانده شود گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید. پروردگارت را در دل خود و از روی تضرع و خوف و آهسته و آرام و صبحگاهان و شامگاهان و یاد کن و از غافلان مباش. ارواح و فرشته‌گانی که در حضور پروردگار تو هستند هیچ‌گاه از بنده‌گی خدا سرکش نمی‌کنند و پیوسته به تسبیح و تنزیه و سجده مشغولند: و بسبحونه وله یسجدون.